

در سال ۲۰۱۶ آبه در
همایشی در کنیا
نخستین بار مفهوم
ایندوپاسیفیک باز
و آزاد را به جهانیان
معرفی کرد (البته
آبه عین عبارت را به
کار نبرد): «آنچه به
جهان ثبات و رفاه
می بخشد چیزی
نیست جز سرزندگی
عظیمی که از پیوند
دو اقیانوس آزاد و باز
و دو قاره به وجود
آمده است». به دلیل
ارتباط خوب آبه با
دولت ترامپ، این
مفهوم به سرعت
به راهروهای کاخ
سفید و پنتاگون
و اندیشکده‌های
واشنگتن راه یافت.

یکپارچه هوایی و دریایی، و درعین حال احترام به حاکمیت و انتخاب‌های
مستقل هر کشور، یکپارچگی منطقه‌ای را ارتقا خواهد داد؛ پنجم، ایالات
متحده همیشه حقوق بشر و ارزش‌های مندرج در منشور سازمان ملل را
ترویج خواهد کرد». اصل اول چهارچوب تعریف شده برای خاورمیانه، یکی
از جدی‌ترین تناقضات گفتمانی این سند به شمار می‌رود؛ چراکه به وضوح
به کشورهای اتوکرات خاورمیانه و در رأس آن‌ها عربستان سعودی اشاره
کرده است. سند به وضوح نمی‌تواند آن‌ها را جزئی از ائتلاف دموکراسی به
شمار آورد، با اینکه این کشورها حامیان واشنگتن هستند؛ از همین رو، آن‌ها
را کشورهایایی معرفی می‌کند که از نظم بین‌المللی (آمریکایی) پیروی می‌کنند.
در این مورد جوزپ بورل صدقانه بیان می‌کند که «دو قدرت بزرگ [...]، بسیار
بزرگ، در حال رقابت هستند و این رقابت جهان را بازسازی خواهد کرد و با
یک دوگانه‌سازی «دموکراسی در مقابل اقتدارگرایان» همراه خواهد بود. من
زیاد روی این تقسیم‌بندی پافشاری نمی‌کنم؛ زیرا در طرف ما، رژیم‌های
استبدادی زیادی وجود دارند. ما نمی‌توانیم بگوییم «ما دموکراسی‌ها
هستیم» و آن‌هایی که ما را دنبال می‌کنند نیز دموکراسی هستند؛ این درست
نیست».^{۴۶}

اصل دوم به وضوح درباره ایران است؛ در سند NSS 2022 هفت بار به ایران
اشاره شده و (به تعبیر سند) در مورد اقدامات ناپایدارکننده ایران در خاورمیانه
و آمریکای لاتین، مسائل موشکی و پهپادی و مسئله هسته‌ای مطالبی گفته
شده که تکرار سخنان هزاران بار گفته شده پیشین است و نکته جدید و
خاصی ندارد. در دو جالحن سند در برابر ایران شدیدتر است: یکی اینکه
بدون بردن نام ایران، این کشور را از اهرم کردن موقعیت خود در تنگه هرمز
و باب‌المنندب جهت فشار آوردن به آمریکا (به خصوص در حوزه انتقال انرژی)
بازمی‌دارد و دیگری جایی است که ایران را از تهدید کردن مقامات فعلی و
سابق آمریکا (بدون شک ترامپ مدنظر است) برحذر می‌دارد: «تهدیدهای ایران
علیه پرسنل آمریکایی و همچنین مقامات فعلی و سابق ایالات متحده
قابل تحمل نخواهد بود و همان طور که نشان داده‌ایم، زمانی که مردم و منافع
ما مورد حمله قرار گیرند، پاسخ خواهیم داد».

۴. در پایان این بخش در ذیل عنوان «قدرتمندتر کردن ابزارهای حکومت داری»
به نکاتی اشاره کرده که از نظر نگارنده از اهمیت بسیار زیادی برخوردار
است. اهمیت این بخش به این دلیل است که نشان می‌دهد برای برتری
در رقابت بزرگ یا همان جنگ سرد جدید به چه ابزارها و رویکردهایی نیاز
است؛ این بخش به رغم کوچک بودن به اندازه کل سند واجد ارزش است
و به هیچ عنوان نباید آن را دست‌کم گرفت. ذیل این قسمت می‌خوانیم:
«نهادهای امنیت ملی و نیروهای ما زیربنای رهبری جهانی آمریکا و امنیت،